

## بررسی وضعیت دشمن پیش از عملیات والفجر ۸

مهدی حاج خداوردی خان\*

	<p>به عقیده‌ی خبرگان امور نظامی، مهم‌ترین اقدام برای برتری بر دشمن، حمله به استراتژی اوست، در واقع با این اقدام ایجاد گسست و اختلال در میانی راهبردی او، می‌توان امیدوار شد که سر رشته‌ی امور و ابتکار عمل از دست دشمن خارج شود. مسلماً برای دست‌یابی به این هدف مهم، باید شناخت دقیق و دریافت عمیقی از دشمن در زمینه‌ی سخت‌افزاری (مسائل مربوط به تجهیزات، میدان نبرد، آرایش و گسترش نیروها) و نرم‌افزاری (تفکرات تاکتیکی و تبیین سیاست جنگی فرماندهانش)، داشت. در این فرایند، تجزیه و تحلیل رفتاری دشمن به ویژه در حوزه‌ی نرم‌افزاری اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا بر مبنای چنین شناختی می‌توان با پیش‌بینی اندیشه‌ی نظامی و نحوه‌ی عمل تاکتیکی او در میدان نبرد، اقدامی مناسب و مؤثر را برای مقابله با دشمن، برنامه‌ریزی و طراحی و عملاً زمینه‌ی غافل‌گیری، فریب و غلبه بر او را مهیا کرد. نوشتار حاضر در چارچوب این دو محور و با بهره‌گیری از اسناد و مدارک مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به رشته‌ی تحریر در آمده است.</p> <p><b>واژگان کلیدی:</b> اطلاعات نظامی، شناسایی، مهندسی رزمی، تاکتیک فریب، هورالعظیم، فاو، قدرت فرماندهی.</p>				
				<b>چکیده</b>	

### مقدمه

و کشور را از خطر حمله‌ی دشمن مصون نگه دارند. بدون تردید در این فرایند هر چه اطلاعات دقیق‌تری به دست آید، آنالیز رفتار دشمن واقعی‌تر و ضریب خطا کم‌تر می‌شود.

در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران قوای نظامی دو کشور، برای غلبه بر یک‌دیگر برنامه‌ریزی‌ها و تاکتیک‌های ویژه و متنوعی را با استفاده از روش‌ها و ابزارهای نوین و در مواردی خلاقانه به کار بردند. با گذشت هر سال از جنگ، نیروهای نظامی دو کشور از شگردهای یک‌دیگر مطلع شده و تجربیات جدیدی کسب می‌کردند و همین موضوع سبب می‌شد. تا هر یک با اتخاذ ترفندهای تاکتیکی جدید چه در حوزه‌ی آفند و چه در زمینه‌ی پدافند برای فریب طرف مقابل یا غلبه بر او به فعالیت‌های نوینی

کسب اطلاعات نظامی یکی از وظایف مهم هر واحد نظامی است که همه‌ی رده‌های فرماندهی و کل طیف طرف‌های درگیر جنگ به آن توجه ویژه‌ی دارند. کشف اطلاعات و امور پنهان دشمن که با هدف کسب و افزایش آگاهی از وضعیت او انجام می‌گیرد، در هدایت معقولانه‌ی جنگ عامل اساسی و مهمی به شمار می‌آید. امروزه به میزان پیچیده شدن اقدامات، فرایند دست‌یابی به اطلاعات هم، اهمیت، ضرورت و تنوع بیش‌تری یافته است.

ارتش یا سازمان‌های نظامی دیگری که وظایف حفاظتی و برقراری امنیت در کشور را به عهده دارند، بخش اعظمی از فعالیت خود را معطوف به جمع‌آوری، پردازش و نیز تولید اطلاعات از دشمن می‌کنند تا از این طریق قدرت و منابع ملی را تحکیم

\* پژوهشگر و راوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در دوران دفاع مقدس

سال دهم □ شماره سی و نهم □ زمستان ۱۳۹۰

۳. فرماندهان عراقی، با هدف پیش‌گیری از عملیات ایران چه اقداماتی انجام داده بودند و عمده‌ی فعالیت آن‌ها حول چه محوری بود؟  
 ۴. چرا و چگونه با وجود حساسیت ارتش عراق به اقدام و تحرک رزمندگان برای اجرای عملیات، عراقی‌ها در تشخیص محور اصلی عملیات، فریب خوردند؟

### وضعیت ارتش عراق در عملیات بدر و پس از آن:

عراق با وجود تمهیدات دفاعی‌یی که قبل از عملیات بدر در منطقه‌ی هورالعظیم به کار بسته بود، هرگز تصور نمی‌کرد آسیب‌هایی جدی نظیر آنچه در عملیات‌های سال‌های قبل (عملیات ثامن‌الائمه، عملیات طریق‌القدس، عملیات فتح‌المبین و عملیات بیت‌المقدس) متحمل شده بود، بار دیگر بر سازمان رزمش وارد شود و توان و قدرت نظامی‌اش بیش از پیش مورد تشکیک کشورهای عرب منطقه و کشورهای فرامنطقه قرار گرفته و به انفعال کشیده شود. سردمداران و فرماندهان عراقی که جنگ شهرها را هم‌زمان با شروع عملیات بدر و با هدف به استیصال درآوردن جمهوری اسلامی آغاز کرده بودند، وقتی با اقدام ایران به مقابله به مثل مواجه شدند و در عمق خاک این کشور، ضایعات و خسارات آن را مشاهده و لمس کردند، استمرار جنگ شهرها را - به دلیل واکنش افکار عمومی خارجی و داخلی - به مصلحت ندیده و ناچار به توقف آن شدند.

با این حال، حکومت عراق با وجود تلفات و خسارات سنگینی که در عملیات بدر متحمل شد - از جمله: انهدام ۶۰ درصدی لشکر ۵ مکانیزه؛ تلفات ۷۰ درصدی لشکرهای ۱۰ زرهی و ۴ پیاده و تیپ‌های ۶۴ و ۶۵ نیروی مخصوص؛ تلفات ۶۰ درصدی لشکر ۳ زرهی؛ تلفات ۷۵ درصدی تیپ ۱۰ زرهی و آسیب دیدن تیپ‌های ۱، ۲ و ۳ لشکر گارد ریاست‌جمهوری<sup>(۱)</sup> - در اقدامی ضربتی توانست به سرعت سازمان رزم

روی آورند. بدیهی است در این مسیر هر کشوری که از قدرت فرماندهی و تفکر در تجزیه و تحلیل اطلاعات، ساختار و تشکیلات اطلاعاتی مناسب‌تر و نیروهای ماهرتر و خلاق‌تری بهره می‌جست، در کسب اطلاعات، طراحی عملیات و فریب دشمن موفق‌تر بود.

این مقاله به واکاوی اقدامات ایران و عراق در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی جنگ تحمیلی - یعنی زمانی که ایران در آستانه‌ی طراحی عملیات بزرگ و سرنوشت‌ساز والفجر ۸ و عراق در پی پیش‌گیری از اجرا یا سرکوب آن بود - پرداخته است. نگارنده در این پژوهش کوشیده است تا با استفاده از اسناد و مدارک جمع‌آوری شده در این دوران، افکار، تاکتیک‌ها و تلاش‌های دو طرف را در زمینه‌ی جمع‌آوری اطلاعات و مهم‌تر از همه خلاقیت، توانایی و هنر فرماندهان ایرانی در فریب دشمن - که تأثیر

عراق با وجود تمهیدات دفاعی‌یی که قبل از عملیات بدر در منطقه‌ی هورالعظیم به کار بسته بود، هرگز تصور نمی‌کرد آسیب‌هایی جدی نظیر آنچه در عملیات‌های سال‌های قبل متحمل شده بود، بار دیگر بر سازمان رزمش وارد شود و توان و قدرت نظامی‌اش بیش از پیش مورد تشکیک کشورهای عرب منطقه و فرامنطقه قرار گرفته و به انفعال کشیده شود

شگرفی در به اشتباه انداختن دشمن در خصوص تشخیص محور اصلی عملیات داشت - مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس در این نوشتار به طرح چند پرسش و پاسخ آن‌ها پرداخته شده است.

۱. پس از عملیات بدر و تا پیش از عملیات والفجر ۸ ارتش حکومت بعثی در چه وضعیتی بود؟ آیا سازمان ارتش عراق در این دوران دست‌خوش تغییرات شد؟
۲. فرماندهان عراقی تصور می‌کردند ایران عملیات آینده‌اش (والفجر ۸) را، در چه منطقه‌یی از جبهه‌های نبرد اجرا خواهد کرد؟



اسرای عراقی در حال انتقال توسط رزمندگان؛ فاو؛ ۱۳۶۴/۱۱/۲۵

خود را بازسازی و تقویت کند. طوری که در طول ۶ ماه (از فروردین تا مهر ۱۳۶۴) استعداد قابل ملاحظه‌یی را سازمان‌دهی و با تغییرات و جابه‌جایی‌های سپاه‌ها و لشکرها، آرایش جدیدی را در مقابل جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرد.

### الف) استعداد و ترکیب

عراق در تجدید و احیاء سازمان رزم خود- که به یمن کمک‌های مالی، لجستیکی و تسلیحاتی کشورهای عرب و دولت‌های غربی انجام پذیرفت- بسیار قوی و سریع عمل کرد؛ براساس اطلاعات قرارگاه خاتم‌الانبیاء، استعداد نیروهای مسلح عراق و اقلام عمده‌ی تسلیحاتی آن تا مهر ۱۳۶۴ چنین برآورد شده است:

نیروی زمینی	۹۶۰ هزار نفر
نیروی هوایی	۳۵۰ هزار نفر
نیروی دریایی	۱۰ هزار نفر
تانک و نفربر زرهی	۷۰ هزار دستگاه
توپ صحرایی	۲۵۰۰ دستگاه
توپ پدافند هوایی	۲۰۰۰ دستگاه
تانک بر	۲۰۰۰ دستگاه

ارتش بعث عراق این توان را با هفت سازمان سپاه (از شماره ۱ تا ۷) از شمال تا جنوب مناطق جنگی تحت پوشش، هدایت و کنترل قرار دارد.

سراسر جبهه‌ها از شمال تا جنوب چنین گسترش داد: سپاه‌های یک و پنج به ترتیب با ۳ و ۲ لشکر در جبهه‌های شمالی مسئولیت پدافندی را بر عهده داشتند که از نقطه‌ی مشترک مرزی ایران- ترکیه عراق آغاز و تا جنوب سد دربندیخان امتداد می‌یافت؛ سپاه دوم با استعداد ۴ لشکر پیاده و ۲ لشکر زرهی (و مجموعاً ۳۳ تیپ) از سد دربندیخان تا چنگوله؛ سپاه چهارم با ۵ لشکر پیاده، یک لشکر مکانیزه، یک لشکر زرهی (جمعاً با ۳۲ تیپ) از چنگوله تا قلعه صالح؛ سپاه ششم با ۳ لشکر پیاده (جمعاً با استعداد ۱۰ تیپ) از قلعه صالح تا نهر صوئیب گسترش یافتند و سرانجام سپاه سوم با استعداد ۵ لشکر پیاده، یک لشکر مکانیزه و یک لشکر زرهی از نهر صوئیب تا جزیره‌ی بوارین در منطقه‌ی عمومی شلمچه و سپاه هفتم با ۲ لشکر پیاده به علاوه‌ی یگان‌هایی از نیروی دریایی (جمعاً با استعداد ۱۳ تیپ) مأموریت پدافند از منطقه‌ی بوارین تا رأس‌البیشه را بر عهده داشتند.<sup>(۳)</sup>

### بررسی دیدگاه دشمن درباره‌ی عملیات آینده‌ی

#### ایران و میزان هوشیاری او

اصولاً فرماندهان سپاه پاسداران برای افزایش دانش و آگاهی خود از موقعیت و تصور دشمن درباره‌ی منطقه‌ی نبرد و تاکتیک‌های پدافندی و آفندی او

### ب) گسترش و خط حد واحدهای رزمی

عراق در بازنگری تاکتیک دفاعی خود و تمهیداتی که برای استراتژی پدافندی‌اش با هدف پیش‌گیری از حمله‌ی رزمندگان برنامه‌ریزی و اجرا کرده بود، سپاه‌های هفت‌گانه‌ی خود را با کمی تغییرات در

برای طرح‌ریزی عملیات علیه مواضع خودی به چند عامل توجه داشتند:

۱. تصور کلی فرماندهان عراقی از مناطق عملیاتی.
۲. منابع اطلاعاتی. ۳. ارزیابی و بررسی صحت اطلاعات جمع‌آوری شده. ۴. حجم فعالیت‌های مهندسی انجام شده توسط دشمن. ۵. نقل و انتقال نیرو و تجهیزات. ۷. توسعه‌ی سازمانی و... توجه به هر یک از این عوامل، می‌توانست به برداشت و ارزیابی فرماندهان خودی از اقدامات متقابل دشمن، کمک مؤثری کند و ضریب دقت آن‌ها را برای طرح‌ریزی عملیات و انتخاب مناسب‌ترین زمان برای اجرای آن افزایش دهد.

### تصور کلی عراق از

#### منطقه‌ی عملیات: تجارب

حاصل شده در عملیات‌ها در طول پنج سال جنگ، فرماندهان عراقی را به تحلیل نسبتاً مشخصی از توان جمهوری اسلامی و تشخیص نسبی محورهای مهم یا آسیب‌پذیر جبهه‌ها رسانده بود. علاوه بر این عوامل دیگری نظیر اجرا نشدن عملیاتی بزرگ و حائز اهمیت به وسیله‌ی ایران در

طول ده ماه (از اسفند ۱۳۶۳ تا پایان پاییز ۱۳۶۴)، فراخوان‌های متعدد نیرو از طرف سپاه پاسداران، اعزام‌های پی‌در پی و به ویژه افزایش فعالیت‌ها در جبهه‌های جنوب که به وضوح از قطعی بودن قصد ایران برای اجرای یک عملیات گسترده و مؤثر حکایت داشت، توجه فرماندهان عراقی را معطوف به جبهه‌های جنوب کرد. منطقه‌ی که از نظر جغرافیایی به سه وضعیت، یکی دشت (منطقه‌ی شرق بصره و شلمچه)، دیگری آب راکد (هورالعظیم) و سومی آب سیال (رودخانه‌ی اروند) تقسیم شده بود. اجرای چند عملیات در شرق بصره (از جمله مهم‌ترین آن

یعنی عملیات رمضان) و ناکامی‌های ایران، دشمن را تا حد زیادی مجاب کرده بود که ایران دیگر ریسک عملیات مجدد و پر مخاطره در این بخش جغرافیایی را تکرار نخواهد کرد، و احتمالاً عملیات در شرق بصره را از اولویت خود حذف کرده است. از سوی خطر عبور از رودخانه‌ی خروشان و عریض اروند هم، کم‌تر از اجرای عملیات در شرق بصره نبود، در عوض انجام نقل و انتقالات گسترده‌ی نیرو و تجهیزات به وسیله‌ی ایران در منطقه‌ی هورالعظیم و نیز رصد کردن حضور یگان‌های پر قدرت و عملیاتی سپاه و افزایش فعالیت‌های مهندسی رزمی در این منطقه، سبب شد تا توجه عراقی‌ها بیش از پیش به آن جا معطوف شود.

البته، چنین برداشتی بدین معنی نبود که عراقی‌ها احتمال عملیات ایران را از دو منطقه‌ی اروندرود و شلمچه کاملاً منتفی می‌دانستند زیرا فرماندهان عراقی نه تنها اقدام ایران را برای عبور از اروند در تیر ۱۳۶۳ - تحت عنوان عملیات والفجر ۸، که به دلایلی انجام نشد. - به خاطر داشتند، بلکه از آن پس به هر اقدام و فعالیت ایران در این منطقه بیش از پیش حساس شده و با دقت آن را رصد می‌کردند، از این رو آن‌ها از سیر تحولات این منطقه چندان غافل نبودند، طوری که در یکی از اسناد به دست آمده از عراقی‌ها چنین آمده است: «اگر عملیاتی [از سوی ایران] در منطقه‌ی خسروآباد تا رأس‌البیشه بخواد صورت پذیرد، حتماً مدت زمانی بعد از عملیات در هور خواهد بود.»<sup>(۳)</sup>

**منابع و اقدامات اطلاعاتی عراق و میزان هوشیاری:** سؤال اساسی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که بعد از عملیات بدر، نیروهای عراقی چگونه و با چه ابزارهایی فعالیت‌های ایران را رصد می‌کردند و آیا اطلاعات آن‌ها، تغییری در نگرش فرماندهان عراقی ایجاد کرد؟

پس از عملیات بدر و در مدت ۶ ماه، ایران مبادرت به اجرای یک سری عملیات موسوم به

ارتش عراق در طول ۶ ماه (از فروردین تا مهر ۱۳۶۴) استعداد قابل ملاحظه‌ی را سازمان‌دهی و با تغییرات و جابه‌جایی‌های سپاه‌ها و لشکرها، آرایش جدیدی را در مقابل جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرد

آزادسازی بستان و عملیات فتح‌المبین) سبب شد که آنان تاکتیک‌شان را در جنگ به خصوص در حوزه‌ی پدافندی تغییر دهند. بر این اساس آن‌ها کوشیدند با ایجاد سیستم دفاعی چند لایه، عمق بخشیدن به میدان‌های مین و موانع در جلو خطوط تماس با ایران و نیز در احتیاط قرار دادن یگان‌های قوی برای دفع حملات ایران، خط نفوذناپذیری ایجاد کنند و ایران را برای همیشه پشت دیواره‌های دفاعی خود نگه دارند. در واقع دشمن با این رهیافت ضمن گسترش فعالیت‌های مهندسی خود برای ترمیم مواضع و احداث موانع جدید، با دقت و

هوشیاری نقل و انتقالات و تلاش‌های مهندسی رزمندگان جبهه‌های جنوب را رصد و به محض مشاهده‌ی تغییراتی در مواضع ایران، با اجرای آتش توپ‌خانه یا بمباران هوایی اقدام به اختلال یا انهدام آن‌ها می‌کرد. در این خصوص نامه‌ی فرمانده لشکر ۲۶ پیاده‌ی عراق به تیپ‌های تحت امر و متعاقباً نامه‌ی فرمانده تیپ ۱۱۱ تحت عنوان نتیجه‌گیری و

سفارش به واحدها و گردان‌های رزمی و پشتیبانی شایان توجه است؛ فرمانده لشکر در نامه‌ی خود درباره‌ی فعالیت ایران چنین هشدار داد: ایران با افزایش فعالیت‌های مهندسی از منطقه‌ی خسروآباد تا رو به روی رأس‌البیشه در حال تکمیل و مهیا ساختن مواضع، احداث جاده‌های عرضی، احداث خاکریز جدید با هدف مخفی نمودن جا به جایی خودروی و ایجاد انبارهای مهمات برای تعرضات احتمالی است. (۴) در پی آن فرمانده تیپ ۱۱۱، ضمن یادآوری نکات فوق به نیروهای تحت امر خود، بر تداوم پی‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات از فعالیت مهندسی رزمندگان،

"سلسله عملیات‌های محدود قدس" (عمدتاً در جبهه‌های غرب) و نیز عملیات‌های گشتی رزمی در هور کرد. طرح فرمانده کل سپاه پاسداران در تغییر تاکتیکی زمین منطقه‌ی عملیات، توجه برخی فرماندهان خودی و حتی تعدادی از فرماندهان عراقی را به مناطق جدید میدان نبرد، معطوف کرد. تا حدی که به تدریج بسیاری گمان کردند منطقه‌ی فاو از اولویت اصلی اجرای عملیات خارج شده است. در اردوگاه عراقی‌ها نیز چنین نگرشی پیدا شده بود، زیرا میزان حساسیت‌شان به سایر جبهه‌ها به ویژه جبهه‌های منطقه‌ی غرب افزایش یافت و با بهره‌گیری از روش‌های گوناگون نظیر دیدبانی، عکس‌برداری هوایی، بازجویی از اسرای ایرانی، شنود بی‌سیم رزمندگان، دستگاه‌های ردیاب الکترونیکی مثل رازیت و ساپلین، نفوذ عوامل گشتی - رزمی و نیز توجه به اطلاعات آشکار رسانه‌ها و اظهارات مقامات سیاسی، با جدیت همه‌ی فعالیت‌های ایران را رصد و پی‌گیری می‌کردند.

ولی آنچه در این میان باید مورد توجه قرار گیرد، سیر فعالیت عراقی‌ها و میزان اطلاعات‌شان از اقدامات و تحرکات رزمندگان است، که آن را می‌توان در دو مقطع حدود شش ماهه یعنی از فروردین تا شهریور ۱۳۶۴ و از مهر تا اواسط بهمن همان سال (قبل از عملیات والفجر ۸) بررسی کرد. مروری به تدابیر عراقی‌ها در این دو مقطع می‌تواند ضمن روشن کردن نوع نگرش و تفکر دشمن در مقابله با تمهیدات فرماندهان ایران، به نوعی میزان هوشیاری یا غفلت آن‌ها را نیز آشکار سازد.

### تدابیر پدافندی دشمن پس از عملیات بدر

#### الف) مقطع اول (فرودین تا شهریور ۱۳۶۴)

تجارب فرماندهان عراقی در جبهه‌های جنوب، به ویژه پس از آنالیز عملیات‌های موفق ایران (نظیر عملیات شکست حصر آبادان، آزادسازی خرمشهر،

عراقی‌ها در صدد برآمدند با ایجاد سیستم دفاعی چند لایه، عمق بخشیدن به میدان‌های مین و موانع در جلو خطوط تماس با ایران و نیز در احتیاط قرار دادن یگان‌های قوی برای دفع حملات ایران، خط نفوذناپذیری ایجاد کنند و ایران را برای همیشه پشت دیواره‌های دفاعی خود نگه دارند

در خرداد ۱۳۶۴، تدابیر جدید دشمن در منطقه‌ی ساحلی اروندرود را چنین گزارش می‌کند:

عراقی‌ها فعالیت‌های مهندسی‌شان را به شدت افزایش داده‌اند. دو ردیف خاکریز یکی داخل نخل‌ها و دیگری انتهای نخل‌ها احداث کرده‌اند. تمام سنگرهای لب ساحل را به هم متصل کرده است. برای جلوگیری از پهلو گرفتن قایق‌ها تمام نوار ساحلی را آهن‌های نبشی و به شکل ضربدری کار گذاشته و برای توسعه‌ی میدان دید بهتر بر دهانه‌ی اروند دو سیل‌بند به طول دو کیلومتر احداث کرده که دارای سنگرهای متعددی نیز است.<sup>(۶)</sup>

همچنین فرمانده اطلاعات نیروی دریایی سپاه از احداث برج دیدبانی و سه پایه در سمت خور عبدالله، خبر داد. به گفته‌ی وی، عراقی‌ها برای دیدبانی و کنترل تردهای شناوری ما، سه پایه‌هایی را احداث کرده‌اند و پایه‌های آن را با سیم‌خاردار پوشانده‌اند.

احداث کانال در جنوب جاده‌ی آسفالته‌ی ام‌القصر و پایگاه موشکی و نصب سه پایه در رأس البیشه از دیگر فعالیت‌های عراقی‌ها بود.<sup>(۷)</sup> آن‌ها با هر اقدام و تحرکی که از ایران در منطقه‌ی عمومی شلمچه و آبادان و خرمشهر می‌دیدند، به همان میزان و بلکه بیش‌تر بر تدابیر امنیتی و تلاش برای کسب اطلاعات بیش‌تر و نیز فعالیت‌های مهندسی خود می‌افزودند. طوری که در اواسط مرداد ماه احمد سوداگر مسئول اطلاعات قرارگاه قدس از تشدید فعالیت عراقی‌ها در منطقه‌ی عمومی فاو خبر می‌دهد و خاطر نشان می‌کند: که دشمن فعال‌تر از پیش شده است. تردهایش در محور فاو-بصره، چهار برابر و در محور رو به روی پیچ خسروآباد سه برابر شده است و از سر شب تا ابتدای صبح صدای فعالیت ماشین‌آلات مهندسی‌شان به گوش می‌رسد. همه‌ی این‌ها به نظرم به خاطر

افزایش حجم آتش توپ‌خانه بر مواضع ایران و در صورت نیاز، بمباران هوایی تأکید دارد.<sup>(۵)</sup>

از سوی، معطوف شدن فرماندهان ایران به شمال جبهه‌های جنوبی (یعنی منطقه‌ی هورالعظیم) و اجرای دو عملیات خیبر و بدر که تاکتیک و جسارت‌های جدیدی را در عملیات‌های آبی-خاکی به منصفی ظهور گذاشت، دشمن را مجبور کرد تا متناسب با تغییر زمین منطقه‌ی نبرد، تدابیر پدافندی دیگری را در این منطقه اجرا کند؛ که در نوع خود جدیدتر و کارآمدتر بود؛ علاوه بر این دشمن با درک توانایی‌های ایران و قدرت

ابتکار رزمندگان در طرح عبور از مواضع سخت و دشوار آبی - خاکی، بیش از پیش به منطقه‌ی هور حساس شد. طوری که بنا بر گزارش واحد اطلاعات قرارگاه مرکزی خاتم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در منطقه‌ی هور دشمن اقداماتی را انجام داد از جمله: به تقویت سیستم‌های الکترونیکی رادار و شنود، احداث برج‌های

دیدبانی، ایجاد موانع جدید با میدان دید و تیر وسیع‌تر، گماردن کمین‌های بیش‌تر و نزدیک‌تر به خطوط تماس و ساخت سنگرهای جدید و ایمن‌تر با بهره‌گیری از سلاح بیش‌تر به منظور جلوگیری از نفوذ نیروهای پیاده و غواص. گفتنی است عراق در منطقه‌ی اروندرود هم که اهمیت سوق‌الجیشی بیش‌تری داشت، تدابیر امنیتی شدیدتر را اتخاذ کرد.\* محمد باقری مسئول اطلاعات قرارگاه خاتم

اجرای چند عملیات در شرق بصره (از جمله مهم‌ترین آن یعنی عملیات رمضان) و ناکامی‌های ایران، دشمن را تا حد زیادی مجاب کرده بود که ایران دیگر ریسک عملیات مجدد و پر مخاطره در این بخش جغرافیایی (شلمچه) را تکرار نخواهد کرد

\* از جمله مهم‌ترین اقدامات عراقی‌ها می‌توان به، توسعه و عمق دادن میدان دید و تیر در سواحل اروند با از بین بردن چولان‌ها، ایجاد خط پدافندی پیوسته و بدون شکاف و ایجاد سنگرهای نزدیک به هم در آن، طراحی استفاده از سلاح‌ها و آتش‌بارهای متنوع با هدف انهدام هر نوع شناوری قبل از رسیدن به ساحل، ایجاد موانع ضد هاورکرافت و قایق در نوار ساحلی اروند، انجام مانورهای آموزشی برای مواجهه با حمله‌ی رزمندگان در شرایط جوی نامناسب و سرانجام طراحی سه مرحله دفاع برای مقابله با رزمندگان ایران در ساحل دور (ساحل ایران)، وسط آب و ساحل نزدیک اشاره کرد. (سند شماره ۱۰۸۷ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش اطلاعاتی اطلاعات، جلسه‌ی عملیات قرارگاه خاتم، ۱۳۶۴/۶/۱۷)

تقویت معابری که امکان نفوذ نیرو یا غواص یا شناور در آن‌ها بود؛ ایجاد قرارگاه مهندسی در حوالی کارخانه‌ی نمک برای تسریع کارهای مهندسی و انتقال ۴۰ تا ۵۰ لودر و بلدوزر و بیش از ۱۶۰ کمپرسی که روزانه مشغول فعالیت بودند.<sup>(۱۰)</sup> علاوه بر این پیشبهار از عناصر فعال اطلاعات - عملیات قرارگاه خاتم، از آماده‌باش‌های پی در پی یگان‌های پدافندی دشمن<sup>(۱۱)</sup> و محرابی مسئول اطلاعات و عملیات قرارگاه کربلا، از افزایش ۷۵ درصدی احداث سنگرهای بتونی دشمن در جاده‌یی که از شهر فاو به قشله و از آن‌جا به سمت رأس‌البیشه ادامه یافته بود، خبر دادند. غلامرضا محرابی همچنین در گزارش تکمیلی خود، از فعالیت‌های دشمن برای ایجاد لایه‌های دفاعی متعدد با احداث خاکریزهای جدید و استقرار مواضع تانک و نیز اقدامات تأمینی او در اطراف پایگاه موشکی منطقه‌ی فاو و ایجاد موانع ضد شناوری به ویژه هاورکرافت خبر داد.

از نیمه‌ی مهر ۱۳۶۴ که فاو به منزله‌ی محور عملیات اصلی بیش از منطقه هورالعظیم مورد توجه فرمانده کل سپاه قرار گرفت، بدیهی بود که فعالیت‌های مهندسی قرارگاه و یگان‌های خودی در رو به روی منطقه‌ی فاو یعنی منطقه‌ی خسروآباد و منطقه‌ی عمومی آبادان بیش از پیش افزایش یابد و همین کافی بود تا عراقی‌ها با ابزارها و ترفندهای اطلاعاتی، اطلاعات بیش‌تری جمع‌آوری و پیام‌های هشداردهنده‌یی به یگان‌های پدافندی خود ارسال کنند. برای مثال، در سندی که واحد اطلاعات - عملیات قرارگاه خاتم سپاه پاسداران از فرماندهان قرارگاه تیپ ۱۱۱ پیاده‌ی عراق به دست آوردند، چنین نوشته شده بود:

عکس‌های هوایی گرفته شده از مواضع دشمن [ایران]، حاکی از تلاش زیاد مهندسی و [افزایش برج‌های] دیدبانی و تراکم خودروها و گروه‌هایی از نیروهاست که با شواهد فوق به نظر می‌رسد:

مشاهده‌ی [فعالیت‌های] نیروهای ما برای ساخت بیمارستان منطقه‌ی چوبیده [در حومه‌ی آبادان] است.<sup>(۸)</sup> سوداگر در گزارشی دیگر از پر کردن نهرهای منتهی به رودخانه‌ی اروند برای جلوگیری از نفوذ قایق‌ها و غواص‌های ایران و افزایش حساسیت در اطراف اسکله‌ی چهارچراغ و نیز دو برابر کردن نیروهای پدافندی در نوار ساحلی اروند خبر داد.<sup>(۹)</sup>

### ب) مقطع دوم؛ این مقطع را می‌توان به دو بخش جداگانه تقسیم کرد:

#### ۱. از مهر تا آذر ۱۳۶۴

منطقه‌ی فاو: با گذشت ۶ ماه از سال ۱۳۶۴، به تدریج هیجان ایران برای غلبه بر دشمن متجاوز و عراق برای اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه بیش‌تر می‌شد. ایران سعی می‌کرد اولاً، با رعایت کامل اصل حفاظت، فعالیت‌های آماده‌سازی‌اش برای عملیات را از چشم دشمن دور نگاه دارد، ثانیاً، تمهیداتی برای منحرف کردن ذهن دشمن از منطقه‌ی اصلی عملیات و غافل‌گیری او به کار بندد. دشمن نیز که می‌دانست ایران قادر به اجرای بیش از یک عملیات بزرگ نیست و با گذشت ۶ ماه از سال، احتمال اجرای عملیات ایران زیاد است، بر میزان مراقبت‌های خود از فعالیت‌های ایران افزود و بر تحکیم موانع و مواضع بیش‌تر همت گماشت. عراق همچنین می‌کوشید تا با اجرای عملیات محدود، تمرکز و آرایش ایران را بر هم زند. به همین منظور از ماه مهر به بعد، در منطقه‌ی عمومی فاو دست به اقدامات جدیدتری زد که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: انجام یک سری مانور با نیروهای پیاده و زرهی در حوالی شمال فاو؛ اجرای آتش مستقیم روی پایگاه‌های رزمندگان در نوار ساحلی اروندرود؛ قطع کردن نخل‌هایی که مانع فعالیت و دید و تیر بودند؛ احداث و توسعه‌ی جاده‌های مواصلاتی عرضی؛

۱. سعی دارند با مخفی کردن نیروها و نقل و انتقالات، ما را غافل گیر نمایند.

۲. قصد تعرض شبانه و سرپل گیری دارند.

۳. ممکن است با صبر زیاد در مخفی ساختن نیروها و سمت حمله و غافل گیر کردن ما، از خسارات و تلفات خود جلوگیری کنند.<sup>(۱۲)</sup>

حجم روزافزون فعالیت‌های رزمندگان، موجب افزایش میزان هوشیاری دشمن شده بود. در ۲۵ آذر ۱۳۶۴، فرمانده لشکر ۲۶ پیاده با ارسال صورتجلسه‌ی نشست فرماندهان قرارگاه برای تیپ ۱۱۱، درباره‌ی فعالیت ایران چنین اعلام کرد:

فعالیت مهندسی دشمن همچنان در منطقه‌ی خسروآباد و رو به روی رأس‌البیشه شدید است. ایرانی‌ها برج‌های دیدبانی دیگری احداث کردند. بسیج نیرو و اعزام آن‌ها افزایش یافته است. در امر آموزش اهتمام زیادتری دارند. در مناطق مختلف اقدام به جا به جایی نیرو کرده‌اند.

عکس‌های هوایی، حاکی از مقاصد دشمن در این منطقه [فاو] بوده و احتمالاً در آینده دست به کار خواهد شد.<sup>(۱۳)</sup>

اما نکته‌ی مهم، تلقی فرماندهان عراقی از سازمان نیروهای مستقر در منطقه‌ی فاو بود! پیش از جلسه‌ی مذکور، عراقی‌ها ساعت ۳:۳۵ بامداد ۱۵ آذر ۱۳۶۴ در دو نوبت اقدام به پخش اطلاعیه‌ی از پشت بلندگو کردند که در متن آن چنین آمده بود:

«پیام ما به ارتش ایران این است که ای ارتشیان ایران، به ما بپیوندید. اگر خون شما ریخته شود، نزد خدا معذور نخواهیم بود. مسئولین ایران شما را روانه‌ی میدان‌های جنگ می‌کنند و برای شما ارزشی قائل نیستند.»<sup>(۱۴)</sup>

این جملات نشان‌دهنده‌ی نواقص اطلاعاتی عراقی‌ها در مورد نیروهای مستقر در منطقه بود که می‌توانست در نحوه‌ی تجزیه و تحلیل آن‌ها تأثیر بگذارد. آن‌ها می‌پنداشتند که هنوز نیروهای ژاندارمری در خط پدافندی مستقر هستند و مشخص

بود که از رفتن آن‌ها و جای‌گزینی نیروهای سپاه پاسداران در منطقه خبر نداشتند و همین امر می‌توانست میزان حساسیت آن‌ها را به جبهه‌ی فاو به منزله‌ی محور اصلی عملیات - در مقایسه با هورالعظیم - کاهش دهد. همچنین اقدام دشمن به فرستادن ۷۰ تانک از منطقه‌ی فاو به طرف بصره، دو احتمال را در اردوگاه فرماندهان خودی قوت بخشید: اول این که این تعداد تانک به منظور انجام یک مانور تمرینی در منطقه حاضر شده بودند. دوم، دشمن براساس اطلاعاتی که از تحرکات رزمندگان از طرق مختلف، کسب کرده بود، برای پیش‌گیری از هر نوع آفند، واحدهای زرهی خود را به این منطقه گسیل داده بود، اما اکنون که حدس زده بود احتمال تعرض ایران از محور فاو - نسبت به منطقه‌ی هور - کم‌تر است، دیگر ضرورتی برای استقرار آن‌ها در این محور نمی‌دید.<sup>(۱۵)</sup>

البته برخی اقدامات دشمن این گونه تحلیل‌ها و برداشت‌ها را دست‌خوش تغییر می‌کرد؛ برای مثال، نیروی هوایی عراق از اول آبان تا نیمه‌ی آذرماه، ۴۳ سورت پرواز بر فراز منطقه‌ی عمومی در مسیرهای گوناگون از غرب به شمال شرق، از جنوب غربی به سمت جنوب شرقی، از جنوب به سمت شمال شرقی و بالعکس داشت که هدف از این پروازها، عکس‌برداری از منطقه و گاهی بمباران مواضع رزمندگان - به ویژه عقبه‌ی یگان‌ها و واحدها در منطقه‌ی چوبیده بود،<sup>(۱۶)</sup> گاه شدت پرواز هواپیماهای دشمن در طول ۷ روز بیش از ۱۰۰ سورت پرواز می‌شد؛ بنا بر گزارش واحد اطلاعات قرارگاه کربلا، در روزهای ۱۹ تا ۲۶ آذر ۱۳۶۴، دشمن حدود یکصد پرواز داشته است و در این مدت بالغ بر ۲۴۰ هواپیما به حریم هوایی خودی در منطقه‌ی جنوب غرب تجاوز و از این تعداد حدود ۱۰۰ هواپیما در ۲۵ نوبت مواضع رزمندگان را در جاده و عقبه‌ها بمباران کرده‌اند.<sup>(۱۷)</sup>

**منطقه‌ی هورالعظیم:** هر چه زمان می‌گذشت، دو



طرف درگیر با جدیت بیش تر اقدامات خود را دنبال می کردند. ایران به شدت در پی منحرف کردن ذهن دشمن از منطقه‌ی فاو (محور اصلی عملیات) بود. به همین دلیل هم‌زمان با اقداماتی که در منطقه‌ی عمومی آبادان- خرمشهر انجام می داد، حجم بسیار گسترده‌ی از فعالیت‌ها را- از جمله نقل و انتقال وسیع نیرو و تجهیزات، فعالیت شبانه‌روزی مهندسی و افزایش مکالمات بی سیمی- با هدف فریب دشمن، در منطقه‌ی هورالعظیم انجام می داد. خوشبختانه واکنش‌ها و اقدامات متقابل عراق در منطقه‌ی هور،

\* البته اقدامات عراق در شرق بصره (یعنی منطقه‌ی عمومی شلمچه - کوشک) در مقایسه با دو محور دیگر کم تر بود، زیرا با این که از طریق شنود و استراق سمع رادیویی از حضور یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی در این منطقه اطلاع داشت، می دانست جمهوری اسلامی با توان فعلی اش قادر به اجرای بیش از یک عملیات گسترده نیست و از طرفی با توجه به سابقه‌ی عملیات‌های سال‌های گذشته، امکان تک اصلی ایران در این منطقه بسیار کم تر از دو منطقه‌ی دیگر (یعنی فاو و هورالعظیم) است. با این حال عمده‌ی اقدامات مهندسی اش در این جبهه معطوف به احداث یک کانال از نهر صوئیب تا پیچ کوشک و دو سیل‌بند عریض در دو سوی آن، احداث یک کانال از شمال نهر کتیبان (شطالعرب) تا آبگیر اصلی شمال زید، احداث خاکریز، احداث دو پل جدید روی رودخانه‌ی شطالعرب در منطقه‌ی شهر بصره و تبدیل همه‌ی پل‌ها به پل‌های لوله‌یی و خاکی شد. همچنین واحد اطلاعات قرارگاه خاتم در آذر ۱۳۶۴ (یعنی دو ماه قبل از اجرای عملیات والفجر ۸) با مقایسه چند شاخص از فعالیت‌های رزمندگان در دو منطقه‌ی هورالعظیم و اروندرود، میزان حساسیت دشمن را مورد تحلیل قرار دادند.

شواهد و دلایل حساسیت عراق در منطقه‌ی جنوب		
هورالعظیم	اروندرود	
حدود ۷۰۰ دستگاه	حدود ۵۰۰ دستگاه	قبلی
حدود ۲۰۰ دستگاه	حدود ۲۵۰ دستگاه	بعدی
۱۰ گلوله	۵ گلوله	آتش توپ‌خانه به طور متوسط در روز
دائم	دائم	هوشیاری عراق
چندین مورد	یک مورد (ام‌الرصاص)	شناسایی منجر به درگیری
نسبی	همراه با حضور	حضور مردم در منطقه
علم به وجود یگان‌های قوی سپاه	حضور جدید سپاه و بسیج	اطلاع از وضع نیروها
انجام جاسوسی	انجام جاسوسی	سایر دلایل
بازید فرماندهان رده بالا	----	
شایعه‌ی عملیات در هور	----	
انتقال تجهیزات	----	
آماده‌سازی یگان‌ها در منطقه	----	
۱۳ مورد در هور	۸۰ مورد اروندرود	جمع

منبع: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، بررسی وضعیت دشمن در عملیات والفجر ۸، ص ۸.

ارتش عراق بر فعالیت مهندسی خود در منطقه‌ی هور به خصوص حد فاصل منطقه‌ی البیحه تا الحسان افزود. از جمله اقدامات عراقی‌ها در این منطقه می‌توان به این موارد اشاره کرد: ایجاد میدان دید و تیر بهتر با بریدن و سوزاندن نیزارها و چولان‌های جلو سیل‌بند خط اول و اطراف سنگرهای کمین؛ عمق بخشیدن به رده‌های پدافند با احداث خاکریز و سیل‌بندهای پی در پی؛ احداث چندین پل روی رودخانه‌ی دجله از القرنه تا الحسان؛ افزایش دیدگاه‌ها و سنگرهای کمین با هدف جلوگیری از غافل‌گیر شدن بر اثر حمله‌ی رزمندگان؛ اتخاذ تمهیداتی برای ایجاد انعطاف در کم و زیاد کردن آب هور و مهم‌تر از همه تحرکات تعرضی برای از هم پاشیدن سازمان رزم و تمرکز قوای ایران.<sup>(۱۸)</sup>

هم‌زمان با این اقدامات، فرماندهان عراقی با ایجاد تغییراتی در تاکتیک ایستای خود، انجام دادن تعرضات و تک‌های محدود را به عنوان تاکتیک جای‌گزین برگزیدند و کوشیدند با اجرای عملیات‌های محدود علاوه بر تقویت روحیه‌ی نیروهایشان، سازمان رزم ایران را از هم پاشیده و تمرکز فرماندهان ایرانی را از اهداف اصلی خود دور کنند. به گونه‌ی که قبل از عملیات والفجر ۸، عراق علاوه بر تعرضات در جبهه‌ی زمینی، در منطقه‌ی خلیج فارس نیز بر شدت حملات خود به منابع و تأسیسات اقتصادی ایران افزود.

تهاجمات زمینی عراق در زمره‌ی عملیات‌های محدود بود، ولی در یک جمع‌بندی کلان می‌توان اهداف عراق را از اجرای این تاکتیک چنین تحلیل

کرد:

- به ایران تفهیم و تلقین کند که با وجود فراخوان نیرو و اعزام‌های مستمر و متعدد، نه تنها توانایی لازم را برای حفظ مواضع خود ندارد، بلکه قادر به اجرای عملیات بزرگ نخواهد بود.
- پاسخ به عملیات‌های محدود ایران (در نیمه‌ی اول سال ۱۳۶۴).

- ایجاد مشغولیت ذهنی و درگیر کردن فکر فرماندهان برای مقابله با تعرضات عراق و چگونگی حفظ مواضع پدافندی.

- گرفتن اسیر و بازجویی و تخلیه‌ی اطلاعاتی با هدف پی بردن به مقاصد عملیاتی آینده‌ی ایران. و سرانجام، مهم‌ترین هدف عراقی‌ها ایجاد شتابزدگی در اردوگاه فرماندهان ایران برای اجرای عملیات نا به هنگام و زودتر از موعد بود، زیرا آن‌ها گمان می‌کردند که عملیات شتابزده طراحی و پختگی لازم را نخواهد داشت و به شکست ایرانی‌ها منتهی خواهد شد. این نکته در سخنان صدام حسین به خوبی آشکار بود؛ او در سخنانی تصریح کرد که «فرماندهان به ما می‌گویند عملیات انجام دهیم تا دشمن (ایران) تحریک شده و زودتر عملیاتش را انجام دهد.»\*

## ۲. از دی تا ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ (شب عملیات والفجر ۸)

تاکتیک‌های ایران برای فریب دشمن در منطقه‌ی هور، بسیار مؤثر واقع شد و این امر مرهون تأکید فراوان فرمانده کل سپاه بر رعایت دقیق مسائل حفاظتی بود. طوری که با نزدیک شدن به تقویم زمانی شروع عملیات، محسن رضایی در جلسه‌ی با

\* پس از این سخنان عملیات‌های محدود و فعالیت‌های عراق از آبان ۱۳۶۴ افزایش یافت. واحد اطلاعات عملیات قرارگاه خاتم در گزارشی به فرمانده قرارگاه چنین اعلام می‌کند که دشمن با اعزام نیروهای گشتی رزمی‌هایش و نیز انجام فعالیت‌های شناسایی سعی دارد تا مانع عملیات رزمندگان شود و انجام تک‌های محدود آن‌ها در منطقه‌ی قصر شیرین و عین‌خوش با هدف احیاء روحیه در بین پرسنل یگان‌ها و نیز استفاده از فرصت برای توسعه‌ی عملیات‌هایش است. یک ماه بعد، منبع مذکور در گزارشی درباره‌ی حساسیت نیروهای متجاوز دشمن می‌گوید: از برخی واحدهای رزمی عراق در مناطقی نظیر فکه، شریانی، زبیدات و مهران تحرکاتی دال بر تقویت نیرو و آمادگی برای انجام عملیات‌های محدود به چشم می‌خورد. (سند شماره ۱۶۸۹۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: جلسه‌ی عملیات قرارگاه خاتم، ۱۳۶۴/۹/۱۸) و بازدید پی در پی فرماندهان ارتش و از جمله عدنان خیرالله از مناطق تحت مأموریت سپاه چهارم و سپاه ششم فرضیه‌ی احتمال انجام عملیات را تقویت می‌کند. (سند شماره ۶۴۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: بررسی وضعیت دشمن، محمد دروردیان، اسفند ۱۳۶۷، ص ۴۲)

تأکید آن‌ها بر منطقه‌ی هور به منزله‌ی محور اصلی عملیات ایران، در تشدید باور عراقی‌ها و تشخیص اشتباه منطقه‌ی عملیاتی نقش بسیار مهمی داشت. رهبر مزدور این سازمان در بهمن‌ماه با صدور بیانیه‌ی در پاریس با استناد به منابع اطلاعاتی خود و با تأکید بر این که ایران در شرف حمله‌ی گسترده تا چند روز آینده است، خاطرنشان کرد که حکومت اسلامی نیمی از واحدهای ارتش و دو سوم از نیروهای بسیجی را برای آغاز هجوم تازه در طول مرزهای عراق به ویژه نزدیکی‌های باتلاق‌های هویزه متمرکز کرده است.<sup>(۲۰)</sup>

باور دشمن به احتمال اجرای عملیات در منطقه‌ی هور در حدی قوت یافته بود که اطلاعات قرارگاه کربلا در گزارش به فرمانده قرارگاه چنین اعلام می‌کرد:

با توجه به تقویت نیروهای عراق در منطقه‌ی شمال هور و حوالی جاده‌ی خندق و افزایش قایق‌های دشمن، امکان انجام تک‌های محدود از سوی عراقی‌ها افزایش یافته و احتمال دارد در شمال غربی منطقه‌ی الحسان، البیضه، جاده‌ی خندق و جزیره‌ی جنوبی خیبر مبادرت به تک با هدف بازپس‌گیری مناطقی از هور نماید. همچنین اقدام به پیشروی خزنده‌ی کمین‌ها در جنوب ابرویه و افزایش آتش توپ‌خانه نموده که دلالت بر آمادگی تک در این منطقه می‌کند.<sup>(۲۱)</sup>

نکنه‌ی عجیب این که فرماندهان عراقی در این مقطع زمانی، در مکاتبات گوناگون از فعالیت‌های ایران در منطقه‌ی رو به روی اروندرود هم گزارش تهیه کرده و به واحدهای مستقر در این منطقه برای مراقبت و هوشیاری بیش‌تر تأکید کردند. در این‌باره

فرماندهان یگان‌های عملیاتی و مسئولان واحدهای پشتیبانی، تکلیف می‌کند که همه‌ی نهایت دقت و هوشیاری را به عمل آورده و جوانب احتیاط را رعایت کنند. وی خطاب به حضار می‌گوید:

به همه تأکید می‌کنم که جبهه‌ی فاو باید همچنان آرام نگه داشته شود، تا دشمن در این چند روز باقی‌مانده به عملیات حساس نشود. برادرها باید با یک تعهد بالا و توجه خیلی بالا رفت و آمد کنند. زیرا کوتاهی در [این] امر گناهی است که بعید است بخشیده شود. تردد به غیر از واحد مهندسی باید [در منطقه‌ی عمومی آبادان - خسروآباد] قطع شود. چون دشمن به کار مهندسی، تا حدی عادت کرده و فقط این باید عادی جلوه داده شود.<sup>(۱۹)</sup>

از سویی افزایش حجم کارهای مهندسی برای آماده‌سازی منطقه‌ی هور و انتقال تجهیزات سنگین - که اغلب و به ناچار در دید نیروهای عراقی انجام می‌شد - تردید آن‌ها را درباره‌ی این که عملیات در این منطقه، فریب باشد، کاملاً از بین برد و ارتش عراق پس از انجام دادن شناسایی هوایی (در ۴ بهمن ۱۳۶۴) و کسب اطلاعات از استقرار آتش‌بار موشکی هاگ رزمندگان و نیز احداث جاده‌های جدید، اقدام به انتقال یک لشکر مکانیزه و یک لشکر زرهی - برای تقویت این جبهه و احتیاط نزدیک منطقه - حتی بنا به گفته‌ی دو نیروی عراقی - که در عملیات گشتی رزمی به اسارت رزمندگان درآمدند - در بین واحدها و یگان‌های عراقی شایع شده بود که ایرانی‌ها قصد اجرای عملیات از جزیره‌ی مجنون به سمت بصره و از هور به سمت عماره را دارند.

البته فریب خوردن عوامل جاسوسی عراق - یعنی اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) - و

\* ارزیابی اطلاعاتی کاملاً هوشیارانه و دقیق انجام شده بود. زیرا دو هفته بعد از این گزارش در بامداد شانزدهم دی ۱۳۶۴، عراقی‌ها با استعداد دو تیپ ۲۸ و ۴۹ به مواضع ارتش در قسمت پدهای ۳ و ۴ سیل‌بند مرکزی جزیره‌ی جنوبی حمله کردند، که در نتیجه، ۲ کیلومتر از پد غربی جزیره‌ی جنوبی، پدهای ۳ و ۴ سیل‌بند مرکزی را به اشغال خود درآوردند و برخی نیروهای کمین در پد ۳ و ۴ شهید و تعدادی به اسارت درآمدند. البته چند روز بعد استعداد اندکی از نیروهای لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب سپاه به کمک ارتش رفته و با اجرای پاتک قوای عراقی را مجبور کردند یک کیلومتر عقب‌نشینی کنند. (سند شماره ۱۱۴۴۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: واحد اطلاعات و عملیات قرارگاه کربلا، ۱۶/۱۰/۱۳۶۴)

از حدود یک ماه قبل، فعالیت‌های مهندسی و راه‌سازی خودی در غرب اروند را شاهد بودیم، این رو تا یک ماه قبل، منطقه‌ی احتمالی عملیات را صد در صد در جبهه‌ی فاو می‌دانستیم، ولی وسعت و تمرکز نیروهای ایرانی در شرق دجله موجب تغییر نگرش فرماندهان شد طوری که بر اساس آخرین تحلیلی که برای فرماندهان گردان‌ها در منطقه‌ی غرب اروند ارسال شد تصریح گردید که عملیات اصلی در این محل نیست و در صورت انجام، عملیات در این منطقه محدود خواهد بود.<sup>(۲۳)</sup>

حتی علامت‌های هشداردهنده و تحلیل‌های فرمانده تیپ ۱۱۱ که اجرای عملیات رزمندگان را در منطقه‌ی فاو محتمل دانسته، افاقه نکرد و فرمانده لشکر ۲۶ در واکنش به این‌گونه تحلیل‌ها با بیان این نکته که شماها از اقدامات ایرانیان در سایر مناطق (هور و شلمچه) بی اطلاع هستید، عملاً احتمال عملیات در فاو را کم‌رنگ یا منتفی دانست. فرمانده تیپ ۱۱۱ در سخنان دیگری چنین تصریح کرده است که «اطلاعات کسب کرده از ایرانیان را در چند نوبت به فرماندهان در رده‌ی سپاه فرستادیم و صریحاً از منطقه‌ی فاو به عنوان هدف اصلی ایران یاد کردیم، اما آن‌ها با این توجیه که عبور یک نیروی نظامی سنگین و پر حجم از رودخانه‌ی شط‌العرب (اروندرو) تا رأس‌البیشه محال است، ما را قانع می‌کردند.»<sup>(۲۴)</sup>

در واقع طرح‌های تاکتیکی فریب و قدرت برنامه‌ریزی نیروهای خودی در حفاظت به قدری کارآمد بود که منابع اطلاعاتی در گزارش به فرمانده کل سپاه، به توجه مغرط دشمن به مناطق عملیاتی چزابه و شمال هورالهویزه به عنوان منطقه‌ی اصلی اشاره کرده‌اند.<sup>(۲۵)</sup> تردد خودرو حامل پل خیبری که از آبادان و خسروآباد به سمت جنوب می‌رفت، حساسیت برخی فرماندهان عراقی را به طور جدی

فرمانده قرارگاه گردان ۲ تیپ ۱۱۱ پیاده به همی فرمانده گردان‌ها در ۱۵ بهمن ۱۳۶۴ و متعاقب آن فرمانده گردان ۱ تیپ ۱۱۱ پیاده به کلیه فرماندهان گروهان‌ها در ۱۷ بهمن ۱۳۶۴، وضعیت فعالیت رزمندگان ایران را چنین گزارش می‌کردند:

قایق‌های دشمن [ایران] چندین بار در مقابل منطقه‌ی رأس‌البیشه و دهانه‌ی شط‌العرب احتمالاً با هدف گشت‌زنی و شناسایی مشاهده شده‌اند.

- تردد کمپرسی‌ها و حرکت خودروها بین خزعلی‌آباد - رأس‌البیشه و خسروآباد زیاد شده است.

- مشاهده شده که دشمن با پرواز هواپیماهای هدایت‌شونده تلاش دارد تا محل سلاح‌های ضد هوایی ما را کشف کند و پیش‌بینی می‌شود اقدام به طرح‌ریزی مقابله با آن‌ها و عملیات هلی‌برد در آینده نماید.

دشمن در حال انتقال نفربرهای حامل پل در میان نخلستان‌هاست. علاوه بر آن در حال احداث جاده‌یی موازی شط‌العرب در پشت نخل‌ها تا منطقه‌ی مقابل رأس‌البیشه است.<sup>(۲۶)</sup>

شایعه‌ی انتخاب شدن هور به منزله‌ی منطقه‌ی اصلی عملیات، به تدریج از سوی فرماندهان به یک بُلوف نسبی تبدیل شده بود، ولی کم‌کم بین عراقی‌ها قوت گرفت. در اعتراف‌های سرهنگ دوم پیاده هادی کاظم محمود- که در منطقه‌ی فاو اسیر شده بود- نحوه‌ی تغییر نگرش عراقی‌ها به منطقه‌ی عملیات هور کاملاً آشکار است. وی درباره‌ی فعالیت ایرانیان در منطقه‌ی آبادان- خرمشهر گفت:

انجام نقل و انتقالات گسترده‌ی نیرو و تجهیزات، به وسیله‌ی ایران در منطقه‌ی هورالعظیم و نیز رصد کردن حضور یگان‌های پر قدرت و عملیاتی سپاه و افزایش فعالیت‌های مهندسی رزمی در این منطقه، سبب شد تا توجه عراقی‌ها بیش از پیش از منطقه اروند به هورالعظیم معطوف شود

در منطقه‌ی فاو غافل نبودند و تمهیدات و اقداماتی را برای ایجاد مواضع پیش‌گیرانه انجام می‌دادند. گزارش‌های منابع اطلاعاتی قرارگاه‌های کربلا و نوح در نیمه‌ی دوم دی و نیمه‌ی اول بهمن، نشان‌دهنده‌ی فعالیت‌های مهندسی دشمن از منطقه‌ی ام‌الرصاص تا جنوب فاو است. فعالیت‌هایی شامل:

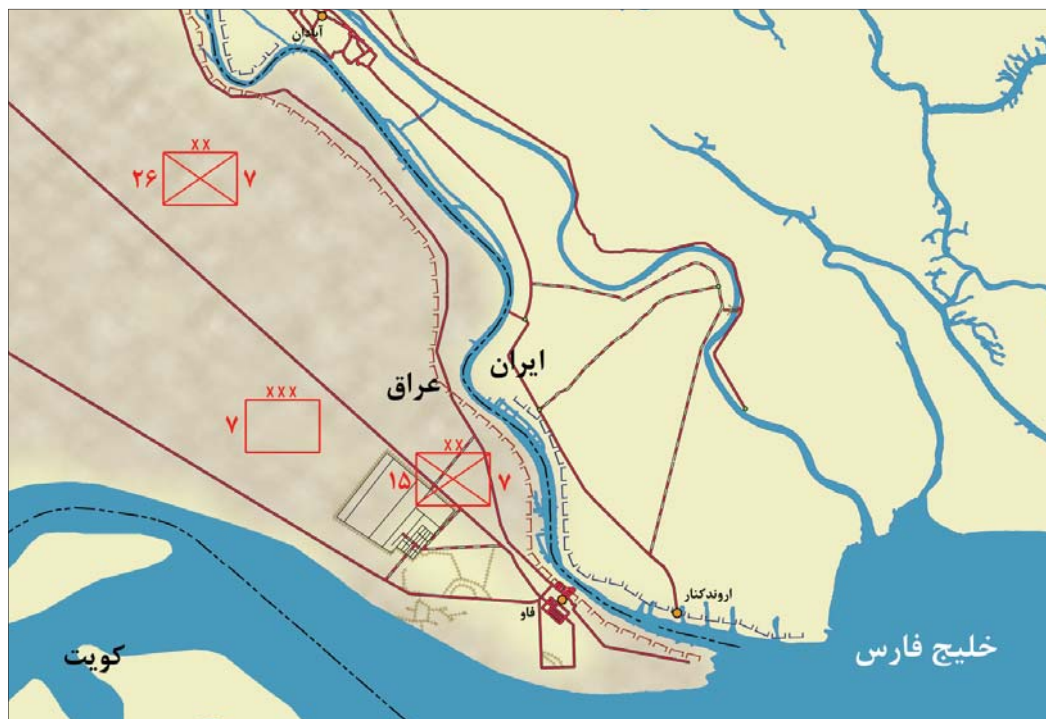
- اتمام احداث سیل‌بند به فاصله ۲۰۰ تا ۵۰۰ متری خط اول که تا رأس‌البیشه ادامه داشت.
- تخریب منازل جنوب فاو با هدف جاده‌کشی.
- احداث جاده‌های آنتنی از فاو تا رأس‌البیشه.
- اتمام بستن همه‌ی نهرهای منتهی به اروندرود.
- استقرار یک پروژکتور قوی با سه خدمه در خط مقدم بر خاکریز جنوب اروند، پروژکتوری با نور خیره‌کننده که سطح آب رودخانه و فضای رو به روی خود را تا ۳ کیلومتر روشن می‌کرد.
- استقرار نفربرهای زرهی چرخ‌دار بین جاده‌ی بصره - فاو و اروندرود. (که حدود ۲۰۰ دستگاه تخمین زده شد).

برانگیخته بود، اما فرماندهان رده‌های بالاتر این اقدام ایران را نوعی تاکتیک فریبنده محسوب کردند. تعبیر فرمانده سپاه هفتم در نامه‌ی به کلی سری درباره‌ی گزارش یکی از فرماندهان در خصوص مشاهده‌ی پل خیبری، عمق غفلت و ضعف او را در تحلیل اطلاعات رسیده نشان می‌دهد؛ او این کار ایران را نشان‌دهنده‌ی یکی از این احتمالات دانست:

« فریب دادن ما به تصور این‌که حمله‌ی آینده‌شان، در منطقه‌ی پدافندی سپاه ششم است. در صورتی که حمله به طرف منطقه‌ی دیگر است و به نظر می‌رسد حمل پل‌ها با هدف انبار کردن آن‌ها در نخلستان‌ها در مراحل بعدی هر گونه حمله به فاو در آینده است. <sup>(۲۶)</sup>»

#### اقدامات مهندسی عراق از دی ماه تا آستانه‌ی عملیات در منطقه‌ی فاو

فرماندهان عراقی با وجود تمرکز روی اقدامات ایران در منطقه‌ی هورالعظیم، هیچ‌گاه از تدابیر پدافندی



گسترش ارتش عراق در منطقه عمومی فاو قبل از عملیات والفجر ۸

در بهمن ماه به عنوان جمع‌بندی فعالیت مهندسی دشمن در منطقه‌ی فاو به فرماندهی اعلام کرده، توانایی‌های یگان‌های پدافندی عراق در غرب اروند را چنین برشمرده است:

- ایجاد موانع پرحجم و عمق‌دار در نوار ساحلی اروند شامل سیم‌های خاردار تک رشته‌یی، فرشی، حلقوی، مین‌های منور، موانع فلزی خورشیدی ضد هاورکرافت در سواحل شرقی و جنوبی رأس‌البیشه تا جنوب کارخانه‌ی نمک.
- احداث خاکریزهای لایه لایه. که لایه اول را در لبه‌ی اروندرود با خاک، تنه‌ی درختان نخل و احداث سنگ‌های بتونی و استقرار مواضع تیربار BKC و سلاح‌های ضد زره و تیربار سنگین جهت مقابله با قایق‌ها، تقویت کرده است. خاکریز دوم سیل‌بندی به ارتفاع ۲ تا ۲/۵ متر و عرض ۱۰ الی ۱۲ متر به صورت پلکانی که مواضع تانک را روی آن احداث کرده است.

خاکریزهای سوم به شکل هلالی و کاملاً مسلط بر دو خط اول و دوم [هستند].

خاکریز چهارم بین حاشیه‌ی نخلستان‌ها و جاده‌ی اول فاو - بصره [قرار دارد]. وجود این موانع به صورت پیوسته عامل‌کندی در قوای مهاجم می‌شود. علاوه بر این که ایجاد لایه‌های دفاعی تا عمق، در پدافند مؤثر است.

- وجود دشت باز غرب اروند که پس از چهار لایه خط دفاعی است، امکان نقل و انتقالات عراق را تسهیل می‌بخشد.

- وجود سکوه‌های ضد هوایی و تانک در کند کردن پیشروی رزمندگان مؤثر است.

- وجود موانع جناحی (دورادور) در رأس‌البیشه توانایی یگان‌های سپاه هفتم در این منطقه را بالا برده است.

- احداث یک برج دیدبانی بسیار بزرگ به ارتفاع ۳۰ متر در منطقه‌ی فداعیه (بین اروندرود و جاده‌ی فاو - بصره)\*. (۲۷)
- ایجاد یک خاکریز به طول تقریبی ۷ کیلومتر و به ارتفاع ۲/۵ متر حداقل جاده‌ی استراتژیک و جاده‌ی فاو - ام‌القصر و به موازات آن‌ها که تا یک کیلومتری دریاچه‌ی نمک ادامه داشت و در پشت آن به سبب احتمال حمله‌ی ایران، یک گردان تانک مستقر شده بود. البته در بهمن ماه، که توجه فرماندهان ارتش عراق به منطقه‌ی هور جلب و این گردان پس از چند روز، از منطقه خارج شد. (۲۸)

علاوه بر این موارد فرماندهان عراقی مستقر در فاو، دستور دادند برای تأمین نهرها و جلوگیری از نفوذ غواصان ایرانی دهانه‌ی نهرها را با دو قبضه تیربار مسلح و در دو طرف آن‌ها را سیم‌خاردار بکشند. همچنین با ایجاد لایه‌های دفاعی دیگر در نوار ساحلی اروند و عمق دادن، ضریب اقدامات ایمنی را افزایش دهند. اجرا کردند.

بر اساس این طرح گروهان‌های جلویی در پشت خط رده‌ی اول استقرار یافتند و به فاصله ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر از خط اول، گروهان پدافند (پشتیبان خط اول) و به فاصله ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ متر از گروهان پدافند، خط رده‌ی دوم با هدف جلوگیری از پیشروی رزمندگان مستقر شدند. (۲۹)

واحد اطلاعات قرارگاه خاتم در آخرین گزارش‌های خود که در آستانه‌ی عملیات والفجر ۸

طرح فرمانده کل سپاه پاسداران در تغییر تاکتیکی زمین منطقه‌ی عملیات، توجه برخی فرماندهان خودی و حتی تعدادی از فرماندهان عراقی را به مناطق جدید میدان نبرد معطوف کرد. تا حدی که به تدریج بسیاری گمان کردند منطقه‌ی فاو از اولویت اصلی اجرای عملیات خارج شده است

\* این برج که به صورت تپه‌یی از خاک درست شده، بسیار با عظمت و بزرگ بود و به نام برج دیدبانی "قاعد" معروف بود. به منظور جلوگیری از آسیب‌پذیری نیروهای مستقر در آن، روی تپه را کانال حفر کرده و نیروها از داخل کانال به بالای برج رفت و آمد می‌کردند.

باشد. حتی میزان فعالیت ادوات مهندسی در شمال غربی فاو و اسکله‌ی چهارچراغ تا ۵۰ درصد کاهش یافته است. علاوه بر این، ذکر این نکته قابل توجه است که اخیراً رادیو عراق به نقل از استاندار بغداد، در پیامی به صدام خاطر نشان کرده که مأموریت خود را در مورد شبکه‌ی راه‌های مواصلاتی و استحکاماتی جبهه‌های جنوب به اتمام رسانده است.<sup>(۳۱)</sup>

از سویی با توجه به اظهارات پناهندگان و اسیران عراقی، حساسیت فرماندهان عراق در منطقه‌ی غرب اروند به ترتیب اولویت چنین است:

۱. منطقه‌ی ام‌الرصاص.
۲. منطقه‌ی خسروآباد تا سیبه عراق.
۳. منطقه‌ی فاو.

#### نقاط قوت و ضعف عراق در منطقه فاو و هور پیش از عملیات والفجر ۸

**الف) منطقه‌ی فاو**  
مسئولیت پدافندی منطقه عمومی فاو (از بوارین تا رأس البیشه) با فرماندهی سپاه هفتم بود، این سپاه با دو لشکر ۱۵ و ۲۶ پیاده و یگان‌های دریایی محافظت می‌شد.\*

بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده، فرماندهی سپاه هفتم در این منطقه به سبب استقرار طولانی مدت، خطوط دفاعی‌اش را از نظر اهمیت اولویت‌بندی کرده و درباره‌ی نحوه‌ی به کارگیری ۱۳ گردانی که برای احتیاط نزدیک در اختیار داشت، برنامه‌ریزی کرده بود. در حوزه‌ی اطلاعاتی نیز با استفاده از نتایج عکس‌برداری‌های متعدد، تغییراتی را

• وجود دستگاه‌های الکترونیکی سازمان‌یافته و ایستگاه‌های استراق‌سمع با فعالیت شبانه‌روزی توانایی‌شان را برای به دست آوردن اطلاعات افزایش داده است.

• محدود بودن سرپل و معابر وصولی، به دشمن امکان می‌دهد که با آتش پشتیبانی قوی و متمرکز مانع رسیدن ما به هدف شود.

• وجود کمین‌های متعدد در جلو خط مقدم و رده‌های دوم و سوم پدافندی به دشمن این توانایی را می‌دهد تا عملیات تأخیری در حرکت رزمندگان ایجاد نماید.

و سرانجام پیش‌بینی گردید با توجه به اقدامات سنگین مهندسی دشمن در ایجاد استحکامات، مانع‌گذاری و چند لایه کردن خطوط دفاعی و احداث جاده‌ها و راه‌های مواصلاتی بسیار در عقبه، در صورت پیروزی رزمندگان در موج اول عملیات و نیز تصرف مواضع دشمن در غرب اروند، عراقی‌ها قادر به انجام پاتک‌های متعدد و مستمر خواهند بود و می‌توانند تا یک ماه نهایت فشار را بر ایران با هدف عقب‌نشینی به شرق اروند اعمال نمایند.<sup>(۳۰)</sup>

البته با افزایش میزان فعالیت رزمندگان در منطقه‌ی هور و سایر مناطق فریب به تدریج از فعالیت مهندسی عراقی‌ها در منطقه‌ی فاو کاسته می‌شد تا جایی که واحد اطلاعات قرارگاه کربلا در نیمه‌ی دی ماه در گزارشی اعلام کرد:

فعالیت مهندسی دشمن که از چندی قبل با توسعه‌ی شبکه‌ی راه‌های مواصلاتی و احداث استحکامات جدید در داخل نخلستان شمال، شمال‌غربی و شمال‌شرقی فاو ادامه داشت، در روزهای اخیر [۱۲ دی ماه] در منطقه‌ی جنوب‌شرقی و شرق شهر فاو شدیداً کاهش یافته و به نظر می‌رسد فعالیت‌های مهندسی در ارتباط با ترمیم و احداث جاده‌ها و استحکامات در این منطقه رو به اتمام

\* محدوده‌ی لشکر ۱۵ پیاده (از ابوالخصیب تا جنوب سیبه) رو به روی پلایشگاه آبادان با ۱۸ گردان پیاده، ۱ گردان تانک درگیر و تعداد ۵ گردان تانک به صورت احتیاط و ۳ گردان پشتیبانی‌کننده‌ی توپ‌خانه و محدوده‌ی لشکر ۲۶ با ۲۲ گردان پیاده، یک گردان تانک و نفربر درگیر و تعداد ۱۳ گردان پیاده و ۲ گردان تانک احتیاط و ۷ گردان پشتیبانی‌کننده‌ی توپ‌خانه. (سند شماره ۶۴۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: بررسی وضعیت دشمن، محمد درودیان، اسفند ۱۳۶۷، ص ۵۳).

علاوه بر این، به طور دوره‌یی هیئت‌های بلندپایه‌ی نظامی از ستاد مشترک عراق برای اطمینان از تاکتیک‌های پدافندی سپاه‌های سوم و هفتم به بصره می‌آمدند و از جبهه‌هایی که این دو یگان مسئولیت آن‌ها را بر عهده داشتند، بازدید می‌کردند.<sup>(۳۳)</sup>

#### ب) منطقه‌ی هور

از نظر دشمن، احتمال عملیات ایران در منطقه‌ی هور بیش‌تر از محور فاو بود، به همین دلیل عراق برای افزایش آمادگی خود جهت مقابله با حمله‌ی رزمندگان در منطقه‌ی هور، دست به اقداماتی زد، از جمله:

۱. سلطان هاشم را که فرماندهی لایق و مدیری قوی بود به سمت فرماندهی سپاه ششم منصوب کرد.
  ۲. منطقه‌ی هور را با ۶،۵ لشکر در خط و ۱ لشکر احتیاط (لشکر ۱۲ زرهی) مورد حفاظت قرار داد.
  ۳. دو لشکر زرهی ۳ و ۶ را در العماره و بصره استقرار داد تا در صورت حمله‌ی رزمندگان، با فوریت از شمال و جنوب هور آن‌ها را وارد عمل کند.
  ۴. صرف نظر از تیپ‌های متعدد، دو تیپ ۳ نیروی مخصوص و ۴ پیاده‌ی گارد جمهوری را از آبان‌ماه مسئول اجرای مانور و تکمیل امکانات آبی-خاکی کرد.
  ۵. با توافق با سپاه‌های چهارم و هفتم تعدادی از تیپ‌ها و گردان‌های توپ‌خانه را آزاد و به صورت احتیاط در شمال و جنوب منطقه‌ی هور مستقر کرد.<sup>(۳۴)</sup>
  ۶. بنابر اظهارات یک خلبان اسیر عراقی، آن‌ها با استعداد ۴۰ فروند جنگنده آمادگی مقابله با هر گونه تهاجم در هور را دارند.
- با توجه به آنچه گذشت، همه‌ی شواهد و قرائن حکایت از هوشیاری عراق - به دلیل آگاهی آن‌ها از حتمی بودن حمله‌ی ایران - داشت. در این میان تنها دو عامل یعنی طرح‌های فریب ایران و درک ناقص و

روی زمین داده و نیروها را با آرایش مناسبی مستقر کرده بود. همچنین دشمن با بهره‌گیری از دستگاه‌های الکترونیکی سازمان‌یافته، قادر بود به طور شبانه‌روزی هر گونه اقدام و تحرک ایران را رصد کند و با استقرار سنگرهای کمین در خطوط مقدم و حتی رده‌های دوم و سوم پدافندی، پیش‌بینی‌های لازم را برای اجرای عملیات تأخیری در صورت حمله‌ی رزمندگان کرده بود. مهم‌تر از همه این که دشمن با توجه به جهت باد از شمال‌غرب به جنوب‌شرق، با خیال راحت می‌توانست از سلاح‌های شیمیایی علیه رزمندگان استفاده کند. البته عراقی‌ها با مشکلات هم‌رو به‌رو بودند. از جمله این که با توجه

به حضور رزمندگان در حاشیه‌ی شرقی اروندرود و عرض زیاد رودخانه، امکان اجرای تک برای عراق وجود نداشت - چون از نظر آن‌ها عبور از اروندرود کاری پر مخاطره و غیر ممکن بود- علاوه بر این، با وجود فصل زمستان و گل‌آلود بودن زمین منطقه، عراقی‌ها فقط باید از روی جاده‌های مواصلاتی- که نیروهای اطلاعاتی ایران بیش‌تر آن‌ها را شناسایی کرده بودند- تردد می‌کردند و این می‌توانست در سرعت عمل آن‌ها برای پشتیبانی از نیروها تأثیر منفی بگذارد. وجود نخل‌ها و نهرهای کوچک و بزرگ به خصوص در حاشیه‌های اروندرود مشکل دیگری بود که قدرت مانور زرهی و مکانیزه‌ی عراق را محدود می‌کرد.

از سویی فرماندهان عراقی با توجه به اهمیت اطلاعات کسب شده از رزمندگان و میزان احساس خطرشان از آن، فوراً دستور آماده‌باش از نوع درجه یک را به همه‌ی واحدهای تحت امر ابلاغ می‌کردند.<sup>(۳۳)</sup>

فریب خوردن عوامل جاسوسی عراق - یعنی اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) - و تأکید آن‌ها بر منطقه‌ی هور به منزله‌ی محور اصلی عملیات ایران، در تشدید باور عراقی‌ها و تشخیص اشتباه منطقه‌ی عملیاتی نقش بسیار مهمی داشت



ولی می‌گوید [این‌جا] حمله‌ی اصلی ما نیست. رحیم صفوی: ولی دشمن به فاو حساس است. محسن رضایی: از نظر سیاسی بله، ولی از نظر نظامی می‌گوید اگر ایران بخواهد حمله کند، با یک لشکر حمله می‌کند.

محتاج: دشمن فعالیت ما را تا آبادان تعقیب کرده، ولی در آبادان ما را گم کرده است.

محسن رضایی: دشمن در این سه سال اخیر به این نتیجه رسیده که ما فقط در یک جا می‌توانیم حمله کنیم و این یک جا را قبل از این که به فاو حساس بشود، به جاهای دیگر حساس شده است. محمدزاده: اما این جاده‌ی آبادان- اهواز در این مدت مثل اتوبان شده [ترددها زیاد شده است].

محسن رضایی: [قبول] نه این که دشمن این‌جا چیزی نمی‌بیند و چیزی نمی‌فهمد. این حرف اشتباهی است. [...] اما ببینید سه ماه پیش دشمن این‌جا [قرارگاه] و یا همین بیمارستان را چند بار بمباران کرد، ولی بعد از یک مدت رها کرد.<sup>(۳۵)</sup> اگر دشمن [به این منطقه حساس و مطمئن باشد دلیلی ندارد که بمباران نکند.

فرمانده کل سپاه همچنین در جلسات دیگر که بحث در مورد میزان هوشیاری یا غفلت دشمن داغ بود، چنین گفته است:

دشمن گفته است اگر ایران از اروند عبور کند یا برای حمله‌ی سراسری است و یا می‌خواهد از سیبه رخنه کند و سپس گسترش یابد؛ در نتیجه دشمن فکر نمی‌کند ما از این قسمت عملیات کنیم. [...] من مطمئنم که دشمن هنوز نتوانسته کار ما را در این منطقه [آبادان] ردیابی کند و الان زمینه برای یک غافل‌گیری خوب آماده است.\*<sup>(۳۶)</sup>

نادرست دشمن از توانایی ایران برای عبور از اروندرود و اجرای عملیات در این محور، سبب شد تا او در تحلیل اقدامات و تحرکات ایران و تشخیص محور اصلی عملیات دچار نوعی آشفتگی و اشتباه شود.

### ج) تأثیر میزان هوشیاری عراق بر فرماندهان خودی

به دنبال گزارش‌های واحدهای اطلاعاتی در قرارگاه و لشکرها از میزان هوشیاری دشمن، شک و تردیدها و اختلاف‌نظرها در اردوگاه فرماندهان خودی افزایش می‌یافت. این وضعیت به خصوص در ماه‌های دی و بهمن، تشدید شده بود که در ادامه، به بخش کوتاه یکی از گفت و گوهای انجام شده در جلسه‌ی قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص)، در ۱۳ بهمن ۱۳۶۴ یعنی هفت روز قبل از شروع عملیات) اشاره می‌شود:

محمدزاده: گمان می‌کنم دشمن برای ما [در منطقه‌ی فاو] تله گذاشته است.

محسن رضایی: اگر دشمن از [محور] عملیات خبر داشت، بمباران می‌کرد. بنابراین با تحلیل این که دشمن ما را در دام بیندازد، نمی‌خواند.

محتاج: خبرهایی به دست ما رسیده که در آن دشمن یادآوری کرده، ایرانی‌ها را در سال دور منهدم کنیم.

رحیم صفوی: حداقل سکوت دشمن درباره‌ی عملیات فاو مشکوک است.

محسن رضایی: البته احتمال این که دشمن [منطقه‌ی فاو] را فریب کرده باشد، وجود دارد.

محمدزاده: حداقل احتمال بدهیم که دشمن هوشیار است.

محسن رضایی: احتمال داده‌ایم. با توجه به این ما [در جریان شناسایی‌ها در منطقه] اسیر هم داده‌ایم. [...] به نظرم دشمن فعالیت ما را می‌بیند،

\* این ابهام و تردید در خصوص میزان هوشیاری دشمن و موفقیت عملیات تا آخرین روزها و ساعت‌های باقی‌مانده به عملیات همچنان وجود داشت، طوری که ۴۸ ساعت قبل از عملیات، فرمانده کل سپاه - که از همه به غافل‌گیری دشمن و پیروزی رزمندگان امیدوارتر بود- می‌گوید: «اگر تا ساعت ۱۱ امشب آتش دشمن [همچنان] کم باشد، معلوم است که در غفلت است.»

(سند شماره ۶۰۴ - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، بررسی وضعیت دشمن - محمد درودیان، ص. ۶۹)

**جمع بندی**

اطلاعات نظامی عموماً بر حسب قلمرو به اطلاعات استراتژی، عملیاتی و تاکتیکی طبقه بندی می شوند. اطلاعات نوع اول برای برنامه ریزی در سطح ملی یا بین المللی و اطلاعات نوع دوم (اطلاعات عملیاتی) برای برنامه ریزی در چارچوب عرصه جنگ یا کل جبهه به کار می رود، اطلاعات تاکتیکی نیز - که گاهی آن را اطلاعات رزمی می نامند - بر برنامه ریزی و هدایت نیرو تمرکز دارد. در هر سه نوع اطلاعات بی تردید فرماندهان باید قدرت درک بالایی از وضعیت دشمن و منطقه داشته باشند، چراکه اطلاعات به منزله دانش است و دانش به منزله قدرت؛ افزون بر این، دانشی که یک واحد نظامی یا فرمانده نظامی از دشمن به دست می آورد به نوعی بنیاد کل عقاید او را در طراحی و برنامه ریزی برای غلبه بر دشمن می سازد.

آنچه به رشته تحریر درآمد، بیان گر فرایند تلاش قوای دو طرف درگیر (ایران و عراق) برای جمع آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل آن و اقدامات بعضاً آشکار آن ها، با به کارگیری ترفندهای مختلف بود که به طور مستمر، برنامه ریزی شده و هدفمند به اجرا در می آمد. توجه به تدابیر فرماندهان و دستورات داده شده به تیم های اطلاعاتی و اقدامات مهندسی و سایر فعالیت های نیروهای خودی و دشمن برای ترسیم و تحکیم موانع، توسعه مواضع، ایجاد تغییرات تاکتیکی در آرایش نیروها و نقل و انتقالات در خطوط پدافندی به وضوح نشان می دهد که همه ی تصمیمات فرماندهان برای برتری بر دشمن بستگی فراوانی به فعالیت های اطلاعاتی انجام شده و آنالیز هوشمندانه و مستمر آن ها داشته است. زیرا در صورت تعلل، تضمینی برای اتخاذ تاکتیکی مناسب برای مقابله با تمهیدات و تهدیدات جدید طرف دیگر، وجود نداشت. بنابراین، چرخه ی اطلاعات از این نظر که بازدارندگی، مستلزم فعالیت اطلاعاتی و از اقدامات لازم و پیوسته ی پس از آن از جانب

طرف های ذی نفع می باشد، به نحوی تکرار شونده ادامه داشت و طرفی برنده ی این ماراتون می شد که درکی عمیق و منطقی از این چرخه ی اطلاعاتی برای پشتیبانی از تصمیم گیری ها به دست آورده و آن را تبدیل به یک طرح بدون اشکال و با ضریب اطمینان بالا جهت اجرای یک عملیات موفق می کرد.

با مرور تدابیر و فعالیت قوای دو کشور - که به طور مختصر به آن اشاره شد - می توان به نکاتی دست یافت که از یک سو بیان گر قوه ی ادراک برجسته و دانش فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای تحت امر آن برای غلبه بر دشمن است و از سوی دیگر از غفلت و فریب خوردن عراق به دلیل ضعف فرماندهانش در آنالیز تحرکات ایران حکایت می کند. در واقع، جوهره ی فرماندهی سپاه، در برنامه ریزی و کنترل هوشیارانه ی شیوه ی شناسایی ها از دشمن نهفته بود. طوری که:

۱. در هر مرحله اطلاعات حاصل از شناسایی های انجام شده از دشمن، با دقت و حوصله ی فراوان و اکاوی، پردازش و ارزیابی می شد. آنچه در فرایند تجزیه و تحلیل حائز اهمیت بود قابلیت اطمینان به داده ها و ارتباط دادن آن ها به هم بود. در این مرحله، سعی می شد بسیار سنجیده عمل شود تا نتیجه ی قابل اتکا و اعتنایی به دست آید.
۲. از نکات برجسته ی دیگر در اقدامات اطلاعاتی فرماندهان سپاه پاسداران - به ویژه فرمانده کل سپاه - محرمانه نگاه داشتن اطلاعات و به خصوص طرح و منطقه ی عملیات بود. بدیهی است هر چه عملیات مهم تر باشد، اطلاعات آن و ترفندهای ضد اطلاعاتی آن باید کاملاً محرمانه نگه داشته شود و زیرکانه اجرایی گردند. موفقیت عملیات والفجر ۸ در گرو حفظ اطلاعات مهم و عملیات ضد اطلاعات بود. فرمانده سپاه با افشاء مطالب کم اهمیت و انتشار شکست های اطلاعاتی از یک سو حساسیت نیروهای خودی را برای دقت در کارها و حفظ اطلاعات و اسرار بیش تر بر می انگیخت و از سوی دیگر دشمن را

برداشت اشتباه از اطلاعات جمع‌آوری شده و درک نادرست از تاکتیک ایران شاید تا حدی متأثر از متغی شدن عملیات رزمندگان برای عبور از اروندرود در سال ۱۳۶۳ و نیز مشاهده‌ی فعالیت گسترده‌ی رزمندگان در منطقه‌ی هور بود و این مسئله بیش از پیش در فریب و اغفال دشمن تأثیر داشت.

۴. زمان‌بندی عملیات: عراقی‌ها به این نتیجه و باور رسیده بودند که حملات ایرانی‌ها بیش‌تر در فصل زمستان انجام می‌شود و براین اساس از نظر فرماندهان عراقی پیش‌بینی زمان تقریبی آن چندان مشکل نبود، در حالی که اساساً پیش‌بینی زمان عملیات از دشوارترین جنبه‌های هشداردهی است. در واقع اگرچه عراقی‌ها ممکن بود بتوانند تهاجمات ایران را بر طبق آنچه "جدول زمانی" می‌پنداشتند مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند، اما تقدیم یا تأخیر روز آن سبب اعلام آماده‌باش‌های مکرر می‌شد، به تدریج با تداوم این رویه این آماده‌باش‌ها زنگ خطری دروغین یا عادی در واحدهای رزمی شد. طوری که چند ساعت قبل از شروع عملیات رزمندگان، در منطقه‌ی فاو اعلام آماده‌باش صددرصد داده شده بود، اما دقایقی قبل از عملیات، وضعیت آماده‌باش یگان‌های عراقی به حالت عادی تبدیل شد.

در مجموع می‌توان گفت که مسئولان عراقی استعداد و توانایی نیروهای ایران را دست کم گرفته بودند. رزمندگان با اعمال اقدامات حفاظتی شدید توانستند دشمن را در برآورد نقل و انتقالات منطقه‌ی آبادان - خرمشهر در مقایسه با هور کاملاً به اشتباه بیندازند.

علاوه بر این، فرماندهان عراقی بارها تحت تأثیر هنر فریب رزمندگان، اغفال شده بودند. در عملیات والفجر ۸ رزمندگان به طور هدفمند و هدایت شده با انتشار اطلاعات غلط و انجام دادن اقدامات آشکار و گاهی نیمه آشکار در منطقه‌ی هور توانستند عملاً عراقی‌ها را درباره‌ی مکان و زمان عملیات فریب دهند.

در تجزیه و تحلیل اهداف ایران دچار شک و تردید می‌کرد.

نکته‌ی مهم در اقدام ضد اطلاعاتی\* نیروهای سپاه پاسداران این بود که آن‌ها توانستند با استفاده از این تکنیک در جهت خنثی‌سازی اطلاعات دشمن و فریب او خوب عمل کنند؛ به نحوی که با دادن اطلاعات گمراه کننده از طریق انتشار شایعات یا منابع شناخته شده مانند سخن‌رانی‌ها برخی مقامات مسئول جنگ و اقدامات فریب‌کارانه‌ی دیگر ذهن فرماندهان دشمن را از زمان و مکان اصلی عملیات منحرف کردند.

**در مقابل این نقاط قوت ایران، قوای دشمن با چند ضعف عمده مواجه بودند، از جمله:**

۱. شکاف در جمع‌آوری اطلاعات: خلأها و نواقص اطلاعات جمع‌آوری شده، دانش فرماندهان عراقی را تحت تأثیر قرار داده و در عمل آن‌ها را برای تصمیم‌گیری صحیح و اتخاذ تاکتیک‌های بدل دچار اشکال کرده بود.

۲. حجم زیاد داده‌ها: نیروهای عراقی در طول چند ماه فعالیت، اطلاعات فراوان اما متناقضی را از جبهه‌ها و مناطق گوناگون به اردوگاه فرماندهی ارسال کردند. به نظر می‌رسد تا حد زیادی فرایند تجزیه و تحلیل این اخبار و داده‌ها برای عراقی‌ها پیچیده شده بود و در نتیجه در برآوردها و ارزیابی‌ها پاره‌یی مسائل مورد غفلت قرار گرفت.

۳. تصورات قبلی: عراقی‌ها بارها و بارها درباره‌ی شیوه‌ی عمل رزمندگان اشتباه قضاوت کرده بودند و این متأثر از نوع نگرش‌شان بود. ظاهراً فرماندهان عراقی تصور می‌کردند که رزمندگان ایرانی در همان محوری عملیات انجام خواهند داد که آن‌ها فکر می‌کنند و از آن جا که هرگز احتمال نمی‌دادند که ایران اقدام به ریسک بزرگی برای عبور از اروندرود کند، توانمندی‌های ایران را دست کم گرفتند. این

\* ضد اطلاعات به معنی اطلاعات گردآوری شده و فعالیت انجام شده برای حفاظت در برابر جاسوسی و سایر فعالیت‌های اطلاعاتی دشمن است.

**منابع و مآخذ:**

۱. برگرفته از کتاب مجموعه‌ی گزیده‌ی اسناد و عملیات بدر.
۲. سند شماره ۶۴۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه: بررسی وضعیت دشمن، محمد درودیان، اسفند ۱۳۶۷، صص ۸ و ۹.
۳. همان، ص ۱۲.
۴. مآخذ ۲، ص ۱۵؛ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، برگرفته از قسمت اسناد ترجمه شده‌ی عراقی، ۱۳۶۴/۱۲/۲۴.
۵. همان، ص ۱۴.
۶. سند شماره ۱۶۵۹۴ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: جلسه‌ی عملیات قرارگاه خاتم، داود رنجبر، ۱۳۶۴/۳/۱۸.
۷. مآخذ ۲، ص ۲۷.
۸. همان.
۹. سند شماره ۱۶۷۰۹ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: جلسه‌ی عملیات قرارگاه خاتم، داود رنجبر، ۱۳۶۴/۵/۱۶.
۱۰. سند شماره ۱۶۸۳۲ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: جلسه‌ی اطلاعات و عملیات قرارگاه خاتم، ۱۳۶۴/۸/۱۴.
۱۱. سند شماره ۱۶۸۸۳ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: جلسه‌ی عملیات قرارگاه خاتم، جواد زمانزاده، ۱۳۶۴/۹/۱۱.
۱۲. مآخذ ۳، قسمت اسناد ترجمه شده عراقی.
۱۳. مآخذ ۲، ص ۱۶.
۱۴. سند شماره ۱۱۰۹۹ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش نوبه‌ی اطلاعاتی شماره ۱۲، واحد اطلاعات قرارگاه کربلا، ۱۳۶۵/۹/۲۰.
۱۵. سند شماره ۱۱۰۶۹ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: اطلاعات و عملیات قرارگاه کربلا، نگرشی بر کلیه‌ی فعالیت‌های دشمن، ۱۳۶۵/۹/۱۷.
۱۶. مآخذ ۱۵؛ و سند شماره ۱۱۲۲۷ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش نوبه‌ی شماره ۱۳، واحد اطلاعات و عملیات قرارگاه کربلا، ۱۳۶۵/۹/۲۸.
۱۷. سند شماره ۱۱۲۷۰ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش نوبه‌ی قرارگاه کربلا، ۱۳۶۵/۱۰/۱.
۱۸. مآخذ ۳.
۱۹. سند شماره ۱۷۱۱۸ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفتر ۱۱۱۶ قرارگاه خاتم.
۲۰. سند شماره ۱۲۰۰۵، قرارگاه خاتم، ۱۳۶۴/۱۱/۱۳.
۲۱. سند شماره ۸۸۹۵۲ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش نوبه‌ی، اطلاعات و عملیات قرارگاه کربلا، شماره ۱۷، ۱۳۶۵/۱۰/۲.
۲۲. مآخذ ۲.
۲۳. مآخذ ۲، ص ۱۹.
۲۴. گزارش ۶۴۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، حفاظت، فریب و غافل‌گیری، محمد درودیان، اسفند ۱۳۶۷.
۲۵. سند شماره ۱۱۸۸۷ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: ۱۳۶۵/۴/۱۰.
۲۶. سند شماره ۲۳۱۱۱ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: نامه به کلی سری ۵۳۵ فرمانده سپاه هفتم، ۱۳۶۵/۱۱/۱۵.
۲۷. سند شماره ۱۱۳۱۱ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: واحد اطلاعات عملیات قرارگاه خاتم، بازجویی از پناهندگان، ۱۳۶۵/۱۰/۵.
۲۸. سند شماره ۱۱۵۳۸ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: قرارگاه نوح، بازجویی از پناهنده‌ی عراقی (گروه‌بان سوم عبدالکریم عبدالزهره)
۲۹. سند شماره ۱۱۵۴۸ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: اطلاعات و عملیات لشکر ۱۹ فجر، برآورد اطلاعاتی، ۱۳۶۴/۱۰/۲۲.
۳۰. سند شماره ۱۱۷۹۷ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: اطلاعات و عملیات قرارگاه خاتم، ۱۳۶۵/۱۱/۵.
۳۱. سند شماره ۱۱۶۳ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: خلاصه‌ی وضعیت دشمن، اطلاعات و عملیات قرارگاه کربلا، ۱۳۶۵/۱۰/۱۷.
۳۲. سند شماره ۸۳۳۶۶ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: مرکز فرماندهی ستاد مرکزی، ۱۳۶۵/۱۰/۲۷.
۳۳. مآخذ ۲۶.
۳۴. مآخذ ۳.
۳۵. مآخذ ۲، نوار جلسه ۴۳۹، ۱۳۶۴/۱۱/۱۳.
۳۶. سند شماره ۶۴۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: بررسی وضعیت دشمن، محمد درودیان، ۱۳۶۷، ص ۶۹.